

این مقاله بمناسبت روز جهانی مبارزه علیه خشونت زنان و دفاع از حق حیات و مصونیت هزاران زن مظلوم وطن مانند الابه دلاورزی که هم مورد خشونت و شکنجه قرار گرفته و هم در زندان طالبان در سرنوشت نامعلوم قرار دارد، تجدید نشر یافته است.

توضیحی بر خشونت و خشونت خانواده گی

توضیحی بر خشونت و خشونت خانواده گی

از سال ۱۹۹۹ بدین سو ملل متحد ۲۵ نومبر را بحیث روز جهانی مبارزه علیه خشونت در برابر زنان برسمیت شناخته و اعلام نموده است که همه ساله این روز اکثراً از طرف سازمانهای زنان و سازمانهای تحول طلب اجتماعی و سیاسی به یادبود گرفته میشود. این روز بخاطر انتخاب گردیده است که در سطح جهانی توجه به رفع خشونت در برابر زنان، دختران و کودکان اعم در محیط و هم در خانواده گردد و دول و حکومتات مسأله خشونت را در چهار چوب سیستم حقوقی و قضائی خود از دیدگاه حقوق مدنی، حقوق فامیل، حقوق بشری و مبارزه علیه خشونت را هم از دیدگاه حقوق جزائی مورد بررسی جدی قرار دهند. خشونت در برابر زنان و دختران یک مسأله جدی و قابل تشویش در سلب حقوق و آزادی های اساسی بشری کتله زنان و دختران در جوامع ملی و بین المللی است.

بدون در نظر داشت سطح رشد و بالا بودن سطح زنده گی در کشور های مختلف سالانه از ۲۵ الی ۷۵ فیصد زنان و دختران مورد خشونت های جسمانی، روانی و جنسی قرار میگیرند.

اهمیت بررسی خشونت علیه زنان برای من خیلی ها قابل ارزش و تعمق است زیرا خشونت دامنه و ابعاد وسیعتر از خشونت علیه زنان و دختران است زیرا خانواده اولین و مهمترین لانه ایجاد و رشد خشونت و اشکال سو استفاده میباشد که در آن بخش اعظم شخصیت، کردار و رفتار فرد شکل میگیرد و از آنجا محیط و ماحول را میتواند بصورت مثبت و یا منفی مورد تأثیر قرار دهد. طبعاً اثرات منفی آن دامنه قربانی های خشونت را وسعت میدهد. به همین ترتیب مفهوم اصلی خشونت در این است که قربانیان خشونت زنان، دختران و کودکان و یا اعضای دیگر در یک خانواده خانواده میباشند.

خشونت و قربانیان خشونت تنها محدود به خانواده های افغانان در داخل کشور نمیشود بلکه فیصدی آن تقریباً در عین سطح و فیصدی است که در میان خانواده های افغان در خارج کشور به وقوع می پیوندد و قربانی میآفریند. بر علاوه اینکه در شرایط بفرنج و حاکمیت زور و سلاح در کشور ما سالانه صد ها و هزاران زن، دختران جوان، نوجوان و کودکان افغان ما مورد تجاوز و انواع خشونت قرار دارند بلکه صد ها هزار از آنان در داخل خانواده ها مورد انواع خشونت قرار میگیرند که این قربانی ها اکثراً پوشیده و مکتوم باقی میمانند، هیچ گاهی از طرف نهاد ها و مراجع اجتماعی، عدلی و قضائی نمیتواند قابل کشف و اثبات باشند در حالیکه خشونت بصورت مداوم در خانواده صورت میگیرد.

من در این مقاله، میخواهم روی چند مسأله زیر توضیحات مختصر را ارائه نمایم:

اول توضیح خشونت با انواع و خصوصیات آن

دوم اثرات منفی خشونت در رشد و تکامل شخصیت

سوم بررسی خشونت از دیدگاه کلتور و تعامل

چهارم خشونت و بررسی حقوقی آن

نتیجه گیری و راه های جلوگیری از خشونت در خانواده.

اول : مفهوم و توضیح خشونت ، انواع و خصوصیات آن

" خشونت در خانواده در اصل عبارت از استفاده از زور و توصل به لت و کوب، تهدید ، وادار ساختن شخص به یک عمل ویا منع کردن از یک خواست و یا عمل فرد ، اهانت و کوچک ساختن عمدی و بلاخره سو استفاده از یکی از اعضا در حلقه خانواده میباشد که قربانی آن بصورت دوامدار به خشونت درگیر ، مواجه و از آن متضرر میگردد. یعنی خشونت نه یکباره بلکه به دفعات و مداوم صورت گیرد. میتواند یک همسر ، یک دختر جوان ، یک طفل یا عضو دیگر خانواده ، یکی از اعضای فامیل یا همسر قبلی مورد خشونت خانواده گی قرار گیرد.

در خشونت خانواده گی میتواند متضرر یا به شکل فزینی یا روانی مورد خشونت و یا تهدید به آن قرار گیرد بر علاوه سو استفاده جنسی ، آواره ساختن از محبت ، عدم توجه و غمخوری ، اهانت و کوچک ساختن و قرار دادن عمدی در مذیقه مالی شامل خشونت خانوادگی میگردد. محروم ساختن طفل در خانواده از تربیت و توجه حکم سو رفتار در مقابل طفل محسوب میگردد.

ممکن هر شخص به شکلی از اشکال یکبارگی مورد خشونت خانواده گی قرار گرفته باشد اگر یک زن باشد ویا مرد ، طفل ویا فرد سالمند. خشونت خانوادگی در اکثر خانواده ها به وقوع میپیوندد. حالات جدی و دوامدار خشونت مداخله قانونی را بخاطر حمایت و مصونیت قربانی خشونت ضروری میسازد که در اکثر کشور ها سازمانها و نهاد های اجتماعی و حقوقی (عدلی و قضائی) صلاحیت و مجوز قانونی را در اختیار دارند تا در مورد مداخله نموده و موضوع را از دیدگاه حقوق جزائی مورد تعقیب عدلی قرار دهند. خشونت مداوم یک عضو خانواده خطر سلب مصونیت جانی ، رشد و انکشاف جسمی و روانی فرد مورد خشونت را به وجود میآورد به همین لحاظ ضرورت اقدام لازم را هم جداً متبازر و در بعض حالات ضروری میسازد. بدین معنی که خانه دیگر محل نیست که بتوان ادامه زنده گی و مصونیت شخص متضرر را تضمین نمود.

در اکثر موارد مشکل است تا به ساده گی تثبیت نمود که شخص مورد سو استفاده و خشونت قرار گرفته است. اکثریت قربانیان خشونت حاضر نیستند مشکل شان را با مراجع مربوط و یا داکتر فامیلی و یا حتی به افراد قابل اعتماد شان بیان نمایند. حتی آنان از مورد خشونت فرا گرفتن شان به سادگی انکار میکنند. آنان یا اینکه شرم دارند مسائل خانوادگی شان را با دیگران مطرح نمایند و یا اینکه از کسب شدت بیشتر خشونت ترس دارند. همچنان تعداد آنان امید دارند که این معضله خانواده گی بالاخره پایان خواهد یافت. زنان و اطفال بالا ترین فیصدی را در تعداد قربانیان انواع خشونت خانواده گی تشکیل میدهند."

افراد که بصورت مداوم مورد خشونت جسمانی ویا روانی قرار میگیرند با گذشت زمان عمیقاً گوشه گیرتر میشوند و علایم دپرسیشن (افسرده گی) در روان شان ظاهر میگردد.

بیشترین خشونت ها در روابط زنا شوهری میتواند به وجود آید. اگر در این خشونت در روابط زناشوهری کمک یابی صورت نگیرد ، همیشه وخیم تر میگردد و گراف شدت و خطرات ناشی از آن بالا تر میرود.

با آنکه کاستن از خشونت در روابط زنا شوهری مشکل میباشد ولی در اکثر موارد و با تمام این حالت طرف مورد خشونت به پارتنر یا همسر خود وفادار بوده و دوستی خود را حفظ مینماید و بلاخره حالت رقت بار را متداوماً تحمل مینماید. بر علاوه پارتنر یا همسر متضرر خود را وابسته به پارتنر مرتکب خشونت میداند و از دست دادن رابطه زناشوهری برای متضرر یک ترس از یک ضایعه و یک فاجعه بزرگ میباشد. اکثراً در چنین حالات زنان بیشتر متضرر در جدائی و یا طلاق میشوند و شکست بزرگ در زنده گی شان تلقی میگردد. از جانب دیگر اکثر زنان جرأت نمی کنند تا به مراجع کمک های اجتماعی و یا عدلی مراجعت نمایند زیرا آنان از عواقب احتمالی بعدی آن نیز دچار ترس و واهمه قبلی میگرددند. قربانی شدن دیگر زنان هم در وفاداری شان به شوهر است که نمیخواهند شریک زنده گی شان دچار عواقب عدلی و قضائی گردند. بدین لحاظ با قربانی دادن خویش مشکل را محرم ، مکتوم و پوشیده نگه میدارند.

انواع خشونت خانودگی

خشونت روانی

خشونت جسمانی

خشونت جنسی

و خشونت اقتصادی - پولی

خشونت روانی

هر عمل که آزادی و زمینه رشد و انکشاف شخصیت و صحت روانی خودی فرد را محدود و متضرر سازد در واقع مفهوم خشونت روانی را ارائه میکند.

اعمال که بیانگر خشونت روانی اند ذیلآ بیان میگرددند:

اهانت و تمسخر بر ساختار جسم (اندام) ، ظاهر شخص ، شیوه های که جز حرکات جسمانی مربوط به شخص مقابل بی ارزش دانستن شخصیت و فعالیت های شخصی شخص مقابل.

انتقاد های بدون توجیه بر کارکرد ها، برخورد های منفی گرایانه بر همه کار های که طرف مقابل که انجام میدهد و یا در مورد صحبت میکند، طرف مقابل را خورد میسازد و در هر موضوع گنهکار تلقی مینماید ، بی ارزش میسازد و شخص را به دیوانه بودن و احمق بودن محکوم نماید.

طرف مقابل را تهدید به آواره ساختن و رها کردن نماید. مثلاً زن و یا شوهر در هر مسأله یکی دیگری را به طلاق تهدید میکند که منظور مرتکب خشونت وادار ساختن طرف مقابل به یک عمل ویا مانع از یک عمل و خواست طرف مقابل است. والدین طفل خود را به کشیدن از خانه تهدید میکند و یا در هر مسأله اظهار پشیمانی میکند که چنین یک طفل دارد (تو عامل مشکل هستی کاش خداوند تو را برای من نمیداد، اولاد های بهتر از تو هستند)

احساس شخص را نسبت به دوستان و فامیل اش و روابط با فامیل را به انتقاد گرفته و دائماً کنترول نماید، نسبت به این روابط شخص را تهدید نماید و جزاً بدهد و تمام توجه را صرفاً و منحصر به خود بداند.

شخص را در منزل حبس نماید (قید) و آمدن دوستان و اعضای فامیل شخص را قدغن نماید، از رفتن شخص به کار، درس و ورزش ممانعت نماید.

عدم احساس و اجرای مسئولیت در برابر کودکان خانواده و تحمیل کار در خانه در سنین طفولیت و سو رفتار با کودکان.

خشونت فیزیکی (جسمانی)

هر عمل که در وجود با عث جرح و یا جراحات گردد و آثار آن در وجود متبازر گردد ، در حکم خشونت جسمانی میباشد و این ها قرار زیر اند:

با دست شخصی را لت وکوب نمودن که از اثر آن جرح و یا کبودی در وجود ظاهر گردد.

زدن (شط و ضرب) شخص با وسایل دیگر از قبیل قمچین ، کمر بند ، چوب دست ، تسمه و غیره.

جرح ناشی از بریدن

قتل

چندک (چندی) کندن که کبودی ناشی از آن در وجود متظاهر گردد.

به دندان گزیدن (دندان کندن)

شخص را به عقب تیله کردن و با دست فشار دادن

شخص را از مو های سر کش کردن

با مشت و لگد زدن

تف انداختن و بالای شخص ، ادرار کردن " شاشیدن" بطرف یا بالای شخص

سوزانیدن روی و اندام همراه با سوخته سگرت ، آب سوزان، روغن داغ ، اوتو داغ ، تیزاب بطری و مواد دیگر سوزان.

از گلو خفه کردن (خفک)

خشونت جنسی:

خشونت جنسی عبارت است از هر عمل در ساحه جنسی و غریزه نی است که شخص مورد اهانت ، تجاوز و ارتکاب عمل با زور صورت گیرد. اعمال زیر مطابقت با تعریف خشونت جنسی مینماید:

تمسخر و توهین نمودن به اندام شخص و مقایسه آن با اندام افراد دیگران که مرتکب خشونت خود با ایشان رابطه دارد. تحمیل اجباری یک شخص به عمل جنسی با خودش ویا با شخص سومی.

با جبر وادار کردن به دیدن فلم های غیر اخلاقی ، گفتن عمدی تجارب عمل جنسی با دیگران به منظور توهین شخص طرف مقابل.

تحمیل اجباری و یا تهدید به بازی های جنسی.

خشونت اقتصادی (مالی)

در خشونت مالی هدف شخص مرتکب فقط وابسته نگهداشتن شخص طرف مقابل از لحاظ اقتصادی به خود میباشد. در عرصه های ذیل:

استنکاف از دادن پول بخاطر مصارف خانه یا خانواده تا شخص متضرر مجبور گردد به دیگران مراجعه نماید.

تسلط یکجانبه به درآمد خانواده و بخشی از درآمد را تنها به خود اختصاص دادن.

کشیدن و یا اخذ پول یا دارائی شخص با زور و جبر.

استفاده و مصرف پول و دارائی مشترک بدون اخذ اجازه و یا مفاهمه قبلی با طرف دیگر.

دوم: اثرات منفی خشونت در رشد و تکامل شخصیت

بصورت عموم خشونت یک عمل فاجعه بار در زنده گی انسان است در هر سن و سالی که داشته باشد. و آن به شکلی حیثیت شکنجه جسمانی و روانی را دارد که انسان را در طول زمان به رنج های درونی، گوشه گیری، تبازر احساساتی توأم با قهر و غضب، حسرت و بخیلی مواجه و بلاخره "شگوفائی" عقده های درونی را در یک زمان سنی به شکل نا خود آگاه متبازر میسازد.

در سنین کودکی و نوجوانی خشونت بالای اطفال عین تأثیرات منفی و روان کش را دارد که طفل در خانواده خود شاهد خشونت میباشد. مثلاً اگر جنگ و دعوا بین پدر و مادر همراه با خشونت و بصورت دوامدار واقع میگردد، طفل و یا نوجوان متحمل عین اضرار روانی میگردد علاوه بر رشد جسمانی و شکل گیری سالم شخصیت طفل به اختلال مواجه میگردد. اطفال همواره گوشه گیرتر میگردد، در مکتب و یا مدرسه دیگر با احساس پشاشیت طفلانه نیست بلکه دائماً در پی بهانه گیری، جنگ و جدل با اطفال دیگر است. بعضاً اطفال که در خانواده دچار خشونت میگردند از رشمندی و باورمندی (حس اعتماد به خود) را از دست میدهند و در محیط یا خود به تمسخر گرفته میشود و یا طفل از عقده مندی ناشی از شرایط بی ثبات خانواده اطفال دیگر را به استهزا و تمسخر میگیرد. اطفال و نوجوان نمیتواند در سطح که استعداد آموزش دارد، بیاموزد و استعداد خود را بکار گیرد زیرا تمرکز فکری وی شدیداً آسیب پذیر میگردد. کمتر علاقه مند رفتن به مکتب است و یا از رفتن به مدرسه و یا محیط بازی ترس و واهمه دارد. حالات هم وجود دارد که طفل مشکل جدی در خوراک دارد یعنی دائماً و بدون کدام دلیل صحتی جسمانی وزن میبازد. بعض نوجوانان نظر به دوره خاص نوجوانی یا به مواد مخدر رو میاورند و یا حالت روانی شان چنان وخیم میشود که در قسمت های دست، بازو و ران ها خراش ها یا بریدگی های عمدی را به وجود میاورند که زخم های آن عمیق نیست ولی قابل دیدن است. یکی از تأثیرات وخیم و جداً قابل تشویش خشونت بالای اطفال تمایل بیش از حد به خوردن است که طفل و یا نوجوان غیر ارادی زیاد میخورند (پر خوری بی حد) و ناشی از آن وزن میگیرند. خطرناک ترین اثرات منفی خشونت خانواده گی اختلال در رشد و انکشاف وجدان است که طفل در سنین بزرگی با بی اعتنایی در برابر واقعات دلخراش و تأثر برانگیز عکس العمل نشان میدهند. به مشاهده رسیده است که اطفال قربانی خشونت در خانواده و محیط در سنین بزرگ علاقه بیشتر به مسایل رزمی و رو آوردن به جنگ و وظایف نظامی دارند. یکی از دلایل آن هم در این است که آنان با استفاده از جنگ و سلاح عطش و قهر و غضب خود را بحیث یک قربانی فرو مینشانند.

در بخش کمک رسانی ها به اطفال که با خشونت خانوادگی رشد میکنند، بعضاً توصیه میشود که طفل به سپورت های رزمی بپردازد تا قهر و احساسات درونی اش بیرون گردد و آرامش را دوباره بدست بیاورد.

اطفال مواجه به خشونت خانوادگی در سنین بزرگی خود به مشکلات زیاد در عرصه زنده گی شخصی مواجه میگردند، بخصوص در زنده گی زناشوهری کمتر موفق و خوشبخت میباشند. از اینجا است که باید با مسئولیت

توجه نمود که مسنولیت پدری و مادری تنها در تأمین معیشت طفل نیست بلکه در مساعد ساختن مصنویت ، فضای گرم خانوادگی ، دادن توجه ، محبت به طفل و تأمین فضای مصنون برای رشد سالم شخصیت طفل است.

افراد که از دوره طفولیت و نوجوانی گذار نموده و خشونت خانوده گی را از سر گذشتانده اند یا اینکه هنوز هم در خانواده با یکی از انواع خشونت ها مواجه اند که در فوق تقسیم بندی گردیده اند، یا خود خشونت را از خانواده بر گرفته و خود به عامل خشونت در مقابل اعضای خانواده خود تبدیل میگردند و یا هم بر عکس رابطه غیر عادی یعنی بیش از حد با اطفال میداشته باشند. چونکه خود را قربانی شده تلقی میکنند و میخواهند همه چیز را بیشتر از حد لازم به طفل خود عرضه مینمایند، چیزی که خود از آن محروم بوده اند.

قربانیان خشونت خیلی ها باریک بین بوده در مقابل انتقاد فوق العاده حساسیت دارند ، حس اعتماد بخود و اعتماد بر دیگران در وجود شان خیلی ها ضعیف میباشد و نسبت به اکثر مسائل نا مطمئن و شکاک میباشد.

زنان و دختران جوان که به خشونت های خانواده گی مواجه اند، اکثراً گوشه گیر اند و از داشتن رابطه عادی اجتماعی شرم و یا ترس دارند که روز به روز خطرات رشد دبیریشن و یا افسردگی در وجود شان زیاد تر میشود. در حالات پیشرفته دبیریشن که ناشی از خشونت های جنسی (تجاوز) است، خطر بروز بیماری های شدید روانی و تمائلات خوگشی بیشتر است.

این هم دیده شده است که دختران جوان که با خشونت بزرگ شده اند خیلی ها خشن و با برخورد های بی احترامانه نسبت به دیگران متوصل میگردند که کاملاً غیر ارادی میباشد و آن ناشی از احساس عدم اعتماد به خود میباشد.

افراد که در فضای با خشونت خانوادگی و یا خشونت جنسی مواجه و بزرگ شده باشند، خطر قرار گرفتن شان در عرصه های جرمی به خصوص در مردان خیلی زیاد است و میتوانند آنها به مجرمین مکرر و خطرناک تبدیل گردند یا به شخصیت های عقده نی (با عقده از خود بر تر بینی) تبدیل میگردند. طبعاً قرار گرفتن این چنین افراد در سیاست و دولت مداری و هم در امور نظامی خیلی ها خطر ناک میباشد.

سوم: بررسی خشونت از دیدگاه کلتور و تعامل

اکثراً فکر میشود که خشونت در خانواده ناشی از عقب مانده گی سطح کلتور و فرهنگ در جوامع عقب مانده میباشد. این علت میتواند یکی از فکتور ها باشد اما فکتور تعیین کننده نیست زیرا خشونت در جوامع پیشرفته و مدرن هم کمتر نیست ولی آنچه قابل قبول است میتواند خشونت بحیث جز از کرکتر و عادت گرفته شده فرد از خانواده بی ثبات باشد که میتواند زمانی این عادت و روش از حدود یک خانواده وسیعتر گردد و حتی در یک زمان طولانی به یک سیستم در یک گروپ اجتماعی تبدیل گردد. نباید انکار نمود فقر و اثرات آن در کشور های عقب مانده و در نواحی کشور های پیشرفته و متمدن که در آنها فقر و بیکاری بیشتر مسلط اند، خشونت بیشتر به وقوع میپیوندد.

زنان و کودکان بیشترین قربانیان خشونت ها اند. اینکه خشونت در خانواده های فقیر تر بیشتر به وقوع میپیوندد علت هم در آن است که رشد استعداد ها و تحصیلات بالا تر و بکار گیری سطح استعداد در راه یابی به زنده گی بهتر و آبرومندانانه تر محدود و به اختلال مواجه میگردد . تجربه نشان داده است که به همان گونه که خشونت در یک خانواده متمول در حد وخیم و خطر ناک آن واقع گردد و در عین حال در یک خانواده فقیر ترین طفل همه زمینه های مصنون رشد شخصیت ، محبت پدری و مادری و توجه و گرمی خانواده گی را داشته باشد، خشونت کمتر محتمل است.

یکی از خصوصیات ناشی از عقب مانده گی در کشور ما افغانستان و افغانان مهاجر در کشور های مختلفه جهان از جمله در کشور های مدرن که این کلتور را با خود انتقال داده اند ، کمتر دانستن موقعیت زن و دختران جوان در خانواده است . متأسفانه در بعض حالات و مناطق به زن و اطفال " حیوان " خطاب میگردد. زنان در اکثر مسائل اجتماعی ، روابط فامیلی ، داشتن نقش مساوی در تعلیم و تربیه طفل و حق تعیین آینده طفل به محدودیت های مواجه میگردند که بیان واضح اند بر خشونت روانی زن در نظام خانواده گی که در کشور ما هم در سطح بالا قرار دارد.

چهارم: خشونت و بررسی حقوق آن

خشونت بحیث یک کلمه عام عمل جرمی و مجزاتی است که بخش های آن در قوانین مانند قوانین جزا در تعداد زیاد کشور ها پیش بینی گردیده اند ، مخصوصاً خشونت جسمانی. ولی متأسفانه بخش های دیگر خشونت هنوز کمتر صبغه حقوق مجزاتی را دارا است.

خشونت جنسی در واقع نظر به تقسیم بندی جرایم و مجازات و نظر به شدت آن در حکم قباح و یا جنایت است که در قانون جزای افغانستان (۱۳۵۵) مواد زیاد به آن اختصاص داده شده است . در قوانین جزای اکثر کشور ها نظر به شدت جرم و ضرر ناشی از آن از جزای حبس سه ماه الی حبس طویل و اشد مجازات یعنی اعدام پیش بینی گردیده است. ولی خشونت روانی و اقتصادی هنوز کمتر در دعاوی حقوقی مورد بحث قرار میگیرد. در حالیکه اضرار آنها بزرگترین مشکلات و معضلات را در روند زنده گی اجتماعی و شخصی متضررین خشونت روانی و اقتصادی را در طویل المدت به وجود میآورد. خشونت روانی و اقتصادی در واقع محدود ساختن و سلب بعض آزادی های فردی را به وجود میآورد که با اصول و ارزش های حقوق مدنی و بشری در مطابقت نیستند.

در کشور های مدرن در سالهای اخیر توجه بیشتر به حمایت از حقوق زن و اطفال و در پیشگیری از خشونت و زمینه مساعد رشد و انکشاف جسمی و روانی طفل در خانواده مساعد گردیده است که موسسات عدلی و اجتماعی در این عرصه ها فعال اند.

در کشور ما افغانستان در پهلوی اینکه توجه به قانونی ساختن معضله خشونت و خشونت در خانواده از دیدگاه حقوق زن و اطفال و هم جنبه مجزاتی آن توجه کافی صورت نگرفته است، تسلط رسوم و عنعنات و شیوه بررسی عنعنوی به این قضایا معضله بزرگ است که مداخله دولت و دستگاه های عدلی و قضائی را محدود و حتی ناممکن میسازد. بدین معنی که مجرم حتی در سطح عمل جنایت در برابر اطفال و زنان مصنون میماند و رسوم و عنعنه حیثیت چتر حمایتی را در ادامه خشونت بخود کسب مینماید. مثلاً یک میانجیگری ریشسفیدان قوم و محل در چنین اعمال عامل مصنون ساختن مجرم است. درد آور تر آن است که در جرایم خشونت نه تنها یک فرد قربانی میگردد بلکه در بعض محلات یک گوسفند یا " یک دختر جوان " به " بد " داده میشود.

سؤ استفاده جنسی اطفال و نوجوانان در افغانستان یک معضله شرم آور است که مجرمین با تمام آزادی ها اطفال را مورد سؤاستفاده جنسی قرار میدهند و در محافل میرقصانند. بعض کلب های انتر ننتی چنین تصویر ها را نشان میدهند که چگونه حتی یک قوماندان " پولیس " یک قوماندان مسلح یک پسر نوجوان را که ممکن اختطاف هم گردیده باشد ، با افتخار در پهلوی خود مینشانند.

گرچه این معضله ناممکن است تا در یک زمان کوتاه از بین برده شود ولی مهم این است که چگونه دستگاه دولت با درایت راه های تدریجی مبارزه علیه خشونت را با اضافات و یا تعدیلات در مواد قانون جزا مساعد سازد. تسلط رسوم و عنعنات در بعض مناطق کشور به عوض تسلط حاکمیت دولتی و قوانین نافذ بزرگترین معضله در ادامه خشونت و ارتکاب جرایم شدید است که همه روزه حقوق صد ها زن و کودک در انجا نقض میگردد.

نتیجه و طرح های پیشنهادی

خشونت به هر دلیل و شیوه که باشد و صورت گیرد ، نقض کرامت انسانی و از دیدگاه قوانین و حقوق محدود ساختن و سلب حقوق و آزادی های مشروع اطفال ، زنان و سانر افراد است که نه تنها از لحاظ جسمانی بلکه از لحاظ روانی متضرر میشوند . اضرار آن جبران ناپذیر و نمیتوان آنرا با پول و یا معامله جبران نمود. آنچه در بالا انواع خشونت تقسیم بندی گردید ، نباید خشونت را تنها با لت و کوب محدود نمود بلکه باید به ابعاد وسیعتر آن توجه نمود و خود و عمل خود را نسبت به این مساله در محیط و خانواده به بررسی گرفت.

خانواده همان طوریکه اولین لانه شکل گیری خشونت و اضرار ناشی از آن است میتواند بهترین و مضمون ترین لانه از محبت، اعتماد، توجه و درک اینکه هر انسان حق استفاده از آزادیها و روابط مشروع اجتماعی را دارد، باشد. تعقل و پیشگیری از حاد شدن معضلات خانواده گی با تفاهم، درک و احترام متقابل میتواند بهترین الترناتیف در بدل زور و خشونت باشد.

یکی از راه های جلوگیری و یا ختم خشونت فقط تفاهم و بحث های خانواده گی است که نظر هر عضو خانواده با ارزش تلقی گردد و خواست های مشروع هر کدام در نظر گرفته شود. در صورت عدم ویا نا ممکن بودن تفاهم مراجعه به افراد صاحب تجربه و رشته کاری بهتر است و نباید از آن شرم نمود.

تجربه ها کاری نشان داده است که معضلات خانواده گی که خشونت را در خانواده در قبال دارد همیشه با عمل و عکس العمل ها متقابل یکجا و تحریک آمیز بوده و یکی دیگری را عامل میداند، شدت و وخامت پیدا مینماید. عمل ها و عکس العمل ها در موقع آن راه حل و تفاهم پیدا نمی نمایند و روز بروز یکی بالای دیگری قرار گرفته، تراکم مینماید و انفجار آن ارتکاب و توصل بهعمل خشونت است.

مطالب بالا این مساله را واضح میسازد که خشونت و لو کوچک باشد، کدام عواقب ناگوار را نه تنها برای بی ثبات ساختن نظام خانواده گی دارد و عواقب وخیم آن در دراز مدت کدام اضرار جسمانی و روانی را بالای اعضای خانواده بخصوص زنان، نوجوانان و کودکان دارد.

در عرصه حقوقی تعدیلات و اضافات در قوانین کشور ما افغانستان یک ضرورت حایز اهمیت است و آن در مبارزه قانونی و اجتماعی علیه خشونت و از جمله خشونت خانواده گی. قانون و سیستم عدلی و قضائی سالم باید وسیله شجاعانه و غیر معامله گرانه را در جاگزینی آنان به عوض رسوم و عنعنات که با جوامع کنونی اعم از اسلامی و غیر اسلامی دیگر مطابقت ندارند، باشند.

در خشونت های خانوادگی اعم از روانی، خشونت های خفیف جسمانی باید مجازات تنبهی از جمله علاوه بر مجازات حبس جریمه های بزرگ نقدی در نظر گرفته شود. یکی از برخورد های موثر در ختم خشونت در خانواده ها در کشور های مدرن جریمه های نقدی، حبس های تعلیقی (معمولاً دو ساله) وسیله موثر اند که در پهلوی حبس های کوتاه مدت شخص مجبور به ختم استفاده از خشونت میگردد. تعقیب کورس های جبری کنترل بالای خود و عدم متوصل گردیدن به خشونت یک وسیله خوبی است که نتایج خوب و موثر را میتواند در قبال داشته باشد.

پایان

در این مقاله از مواد و مأخذ ذیل استفاده گردیده است:

مواد معلوماتی نهاد های کمک رسانی اجتماعی در هالند بخش خشونت

Meldpunt huiselijk geweld

پروتوکول حمایت حقوق اطفال در برابر سو استفاده از اطفال و خشونت کشور هالند.

تجارب کاری و مسلکی نویسنده در اداره حمایت حقوق اطفال در کشور هالند.

اثرات عرف و تعامل در قانونگذاری افغانستان از نویسنده سال ۲۰۰۳ جریده مشعل